

از ترمه و تغزل

برگزیده شعر

حسین منزوی



- ۹ حنجره زخمی تغزل / دفتری از شعرهای آزاد و غزل
- ۱۱ دفتریک: آزاد و چند رباعی
- ۴۷ دفتر دو: غزل
- ۵۹ با عشق تاب می آورم / شعرهای آزاد و چند شعر سپید
- ۹۹ از شوکران و شکر / مجموعه غزل
- ۱۵۱ با عشق در حوالی فاجعه / مجموعه غزل
- ۱۷۹ هم چنان از عشق / مثنوی ها و ...
- ۲۰۱ از کهربا و کافور / مجموعه غزل
- ۲۴۱ تیغ و ترمه / دفتری از شعرهای آزاد و سفید

## همسایه روی مهتابی بود

شب در کدام لحظه خود بود  
وقتی که آن ستاره دنباله دار  
بربام ما گذشت

می دانستیم،

می آید

می دانستیم

در لحظه ای مشعشع و تاریخی  
او

— آن نبوغ نورانی

کُحل الشفای دیده بیماران —  
بر ما،

گذار

خواهد

داشت.

تا یک شب از تداوم بیداری،

در مهتابی

همسایه بانگ زد:

آنک!